

دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران

فرد هلیدی

ترجمه فضل الله پسکنده‌یی

به همراه
مقدمه و مؤخره و نسل
برای چاپ فارسی



مؤسسه انتشارات امیر کبیر
 تهران، ۱۳۵۸

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۹	مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی
۲۴	مقدمه نویسنده
۱۷	۱. جامعه ایرانی، نظری کلی
۲۸	۲. دولت، زمینه تاریخی
۴۶	۳. دولت، ویژگیهای عمومی
۷۲	۴. ارتش و ساواک
۱۱۲	۵. توسعه کشاورزی
۱۴۷	۶. نفت و صنعتی کردن کشور
۱۸۳	۷. طبقه کارگر
۲۲۲	۸. نیروهای مخالف
۲۵۰	۹. روابط خارجی
۲۹۴	۱۰. استنتاجات
۳۱۴	مؤخرة نویسنده بر ترجمه فارسی
۳۲۷	یادداشتها
۳۴۹	کتابشناسی

یادداشت مترجم

کتاب حاضر درباره ایران در ماه سپتامبر ۱۹۷۸ (شهریور ۵۷) از چاپ درآمد و در این فاصله رژیم مورد بحث نویسنده، خود به زیالله‌دان تاریخ منتقل شد. باین دلیل با توجه به تحولات بعدی وطنمان، نویسنده مقدمه و مؤخره‌ای نیز برای این ترجمه نوشته و در اینجا و آنجا تغییراتی در متن کتاب داده است. درواقع کتابی که اکنون در دست دارید، ترجمه چاپ دوم کتاب همراه با تجدیدنظرهای نویسنده است که هنوز به انگلیسی انتشار نیافتد است. بنابراین خوانندگان باید در نظر داشته باشند که این ترجمه با متن اصلی منتشر شده تفاوت‌هایی دارد. نویسنده برخی مطالب را که پس از انقلاب زائد دانسته حذف کرده و برخی اشتباهات کوچک را پس از تذکر مترجم تغییر داده است.

با وجود این، تغییرات مذکور اندک است و متن اصلی کتاب و تجزیه و تحلیل‌های آن تقریباً دست نخورده باقی مانده است و یکی از دلایل ارزشمندی آن در همین است که اگرچه در دوران خردۀ امپریالیسم، رژیم منفور شاه نوشته شده و در آن زمان کمتر کسی تصویر می‌کرد که بساط «طاغوت و طاغوتیان» باین سرعت برچیده شود، هنوز هم بسیار خواندنی و آموزنده و سودمند است.

مع هذا تردیدی نیست که هرخواننده نمی‌تواند با کلیه تحلیل‌ها و برداشت‌های کتاب موافق باشد؛ وانگهی، ما خود درباره جزئیات سائل و حوادث پنجاه سال اخیر کشورمان در مجموع از نویسنده اطلاعات و معلومات بیشتر یا تعصب و حساسیت بیشتر داریم؛ بنابراین، نظرات یک پژوهشگر خارجی را باید با اندک سعدۀ صدر و بردبازی علمی خواند و امکان‌آینجا و آنجا از استدلال‌ها و تحلیل‌هایش بهره‌هایی گرفت و بالعکس سانسور را، دره لباس و قبائی که جلوه‌گر شود، محکوم کرد.

در موارد معینی که ظاهراً اهمیتی داشته یادداشت‌های مختصری بصورت زیرنویس و با قيد «ـم.» اضافه کرده‌ام ولی این موارد فراوان نیست و مترجم در مقابل وسوسه «تصحیح نویسنده خارجی» — که هرخواننده‌ای هنگام خواندن

مطلوبی درباره وطنش بدان دچار می‌شود — مقاومت کرده است. فی‌المثل برای برخی از برداشتهای کلی نویسنده در زمینه مسائلی چون ملت‌ها و اقلیت‌ها و زن و مرد و فرق مذهبی — شبیه طرز فکری که دعواهای ایرلندر را صرفاً بصورت جنگ میان کاتولیک و پروتستان جلوه‌گر ساخته و باین ترتیب سالیان دراز برمبارزات خلقی ایرلندر، گندزده است — در جامعه خودمان کاربردی پیدا نکرد و لی این نکات در مقابل مزایای عمومی کتاب و تحلیل‌های دقیق و علمی اش توی ذوق نمی‌زند.

و اما چندسطري در معرفی نویسنده:

فردهلیدی در سال ۱۹۴۶ در دوبلین پایتخت ایرلندر متولد شد. وی در دانشگاه اکسفورد در رشته اقتصاد وسپس در دانشگاه لندن (دانشکده مطالعات شرقی و آفریقائی) در رشته تاریخ خاورمیانه تحصیل کرد و پس از فراغت از تحصیلات همواره سرگرم پژوهش در مسائل خاورمیانه بوده و در مقام یک نویسنده سوسیالیست مستقل فعالیت کرده است. هلیدی در سال ۱۹۶۸ از کویا بازدید کرد، در سال ۱۹۶۹ گزارش‌های درباره پایگاه‌های پارتبیزانی خلق فلسطینی در اردن تهیه کرد و در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ به منطقه ظفار در عمان که در نتیجه مبارزات و جانبازیهای رزمی‌گان «جبهه خلق برای آزادی عمان» آزاد شده بود، سفر کرد. وی رئیس نخستین کنگره جهانی برای همبستگی با خلق‌های منطقه خلیج فارس بود که در سال ۱۹۷۳ در عدن تشکیل شد و نخستین اثر عمده‌اش را در این زمینه در سال ۱۹۷۴ در کتابی تحت عنوان، «عربستان بدون سلطان» انتشار داد. فردهلیدی در حال حاضر سرگرم نوشتن کتابی درباره تحولات اقتصادی و سیاسی جمهوری دموکراتیک خلق یمن است. وی مقالات و رسالات متعددی پیرامون مسائل خاورمیانه نوشته که یکی از آنها کتاب کوچکی تحت عنوان «مزدوران خارجی در منطقه خلیج فارس» است. ایده‌آنکه خوانندگان — صرفنظر از نظرات شخصی و گروهی خود — تحلیل‌ها و انتقادهای این نویسنده خارجی را در این رهگذر حساس تاریخی کشورمان با علاقه مطالعه کنند.

فضل الله نیک‌آئین

لندن ۲۱ مارس ۱۹۷۹

(اول فروردین ۱۳۵۸)

مقدمه نویسنده

بو ترجمه فارسی

انقلاب ایران که در اوایل فوریه سال ۱۹۷۹ به اوج خود رسید، هم‌اکنون در کنار تغولات توده‌ای عظیم تاریخ معاصر جهان—در ردیف انقلابات روسیه و چین و، کمی دورتر، در ردیف انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹—قرار گرفته است. این انقلاب نه تنها دیکتاتوری سلطنتی منفور خاندان پهلوی را واژگون کرده بلکه تاریخ دو سه هزار ساله سلطنت در ایران را قاطعاً به پایان آورده است. بالاتر از این، پیروزی انقلاب ایران، بر عکس انقلابات متعدد دیگر در کشورهای مختلف جهان، مخصوصاً کودتاها نظمی نبوده است بلکه بسیج توده‌ای پایدار مردم در شهرهای ایران که بیش از یک سال دوام آورد، این انقلاب را به پیروزی رساند: نخستین تظاهرات عمومی در تاریخ هیجدهم و نوزدهم فوریه ۱۹۷۸ (۹۳۰ بهمن ۱۳۵۶) در تبریز آغاز شد و به قیام سلحانه دهم و یازدهم فوریه ۱۹۷۹ (۲۱ بهمن ۱۳۵۷) انجامید و در این مدت تدریجاً بنیادهای یکی از استوارترین و مرتاج ترین رژیم‌های جهان را تضعیف و سپس کاملاً نابود کرد. هنوز بسیار زود است که تاریخچه این حادثه تکان‌دهنده تاریخی را به نگارش درآوریم ولی از هم‌اکنون آشکار است که انقلاب ایران دست کم از سه لحاظ بی‌نظیر بوده است. نخست آنکه برای سطح بسیج سیاسی توده‌ای آن در تاریخ اخیر جهان نمونه قابل مقایسه‌ای نمی‌توان پیدا کرد زیرا تظاهرات توده‌ای در تهران از ماه می‌پتمبر تا زانویه که در آنها بیش از دو میلیون نفر شرکت جسته بودند، بزرگترین عملیات اعتراضی تاریخ بشريت است. (انقلابات ویتنام و چین در مجموع مبارزات نظامی عظیم‌تر و طولانی‌تر را شامل بوده است ولی مشخصه انقلاب ایران مبارزه سیاسی توده‌ای آنست). ثانیاً آخرین مرحله فرو ریختن رژیم پهلوی در ماه فوریه (بهمن) از طریق یک تهاجم انقلابی برپایوهای نظامی صورت گرفت که مستونهای رژیم شاهنشاهی بودند و حال آنکه در کلیه حوادث تاریخی قبلی چنین تهاجمی سانند پرتابل در سال ۱۹۷۴—بدنبال شکست ارتش در یک جنگ خارجی صورت گرفته بود و در مورد ایران چنین شکست خارجی وجود نداشت. اصمحلال ارتش ایران معلوم ماهها فشار سیاسی داخلی از طریق تظاهرات توده‌ای بود که آخرین مرحله آن با ائتلاف پیروزمند شورشیان نظامی و پرسنل نیروی هوائی و رزمندگان غیر نظامی که بکمک آنها شناقتند، پیایان

آمد. دامنه و قاطعیت این حادثه در تاریخ قیام‌های مسلحانه جهان بی‌نظیر بود. ثالثاً این انقلاب در کشوری صورت گرفت که از مراکز انقلابی قبلی توسعه بیشتری پیدا کرده بود. ایران امروز که ۵ درصد جمعیتش در مناطق شهری زندگی می‌کنند و اقتصاد شهری قابل توجهی دارد، از لحاظ اقتصادی بسی توسعه یافته‌تر از چین سال ۱۹۴۹ یا روسیه ۱۹۱۷ بود. طبقه کارگر جدید ایران که با اعتصابات خود از ماه سپتامبر به بعد چنان نقش قاطعی در ساقط کردن رژیم بازی‌کرد، نیروی اجتماعی عمدہ‌ای در جامعه ایران است و قدرت و اراده خود را در عملیات اخیر نشان داده است.

تأثیرات بین‌المللی انقلاب ایران نیز فوق العاده بوده است. این انقلاب که چهار سال پیش از شکست امپریالیسم امریکا در هند و چین رخ داد، گامی عظیم در راه آزادسازی توده‌ای جهان سوم است. انقلاب ایران با نابود کردن رژیم پاسدار منافع غرب در خیلی فارس، کل استراتژی امپریالیستی در آسیای غربی و همه حکام ارتজاعی طرفدار غرب در شبه جزیره عربستان را تضعیف کرده است. مقامات عربستان با ترس و وحشت به خرد سلاحدای تازه مشغول شده‌اند و سلطان عمان که حیات خود را مدبون نیروهای نظامی ایران است، اکنون دیگر خواب راحت ندارد.

هنوز نمی‌توان رامحل‌های داخلی مشکلات ایران را تعیین کرد ولی تردیدی نیست که فرایند (پروسه) انقلابی آغاز شده با سقوط شاه همچنان ادامه خواهد یافت. انقلاب ایران نیروهای عظیمی را آزاد کرده است که هرگز به‌شکل دیگری از دیکتاتوری سرمایه‌داری — صرفنظر از قبای ایدئولوژیک آن — تن درخواهند داد؛ طبقه کارگر، روشنفکران، زنان و ملیت‌های ایران همگی علاقه خود را به تغییر ساختمان دموکراتیک و رادیکال ایران بنحوی که از طرحهای خیالی مخالفان سنتی شاه بسی فراتر می‌روند، اعلام داشته‌اند.

همزمان با این تحولات، دولتهای غربی و بویژه دولت ایالات متحده امریکا می‌کوشند که خسارات عظیم خود ذرا ایران را جبران کنند. آنان که نتوانستند آلت مورد علاقه خود یعنی شاه را حفظ کنند، اکنون سخت تلاش می‌کنند که با نمایندگان جدید جناح راست ایران و بخصوص طرفداران حفظ خصلت سرمایه‌داری ایران — بدون سیستم سلطنتی قبلی آن — رابطه‌ای عملی و سودمند برقرار سازند. دولتهای محافظه کار عرب نیز امیدوارند که رژیم جدید در ایران در جهات مختلف شبیه خودشان باشد و بنحوی روزگزون به محروم کردن مردم ایران از دستاوردهای دموکراتیک آنان در جریان مبارزات یکسال و نیم اخیر، پردازد یا جنبش دموکراتیک مردم را سرکوبی کند.

کتابی که اکنون در دست دارید، کمک ناچیزی است که یک ناظر خارجی به این بحث بین‌المللی پیرامون ماهیت انقلاب ایران بعمل آورده است؛ نوشته این کتاب سه‌سال پیش و قبل از اینکه جنبش کنونی نیرومند شود، آغاز شد و هدف از آن تجزیه و تحلیل طرز کار رژیم پهلوی بود. خوبی‌خانه حوادث از آن زمان به بعد شتاب فراوان پیدا کرد و من قبل از چاپ کتاب این تحولات را در فصل آخر کتاب تجزیه و تحلیل کردم. اکنون که چند ماه از چاپ کتاب می‌گذرد، فقط چند صفحه و چند پاراگراف را که دیگر ارتباط مستقیمی با وقایع نداشت و به پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت مربوط می‌شد، حذف کرده‌ام ولی غیر از این تغییرات مختصر، کتاب بهمان شکل چاپ اول بزبان انگلیسی باقی است؛ (به ترجمة فارسی مؤخره‌ای مربوط به تحولات پس از انقلاب افزوده شده است). کتاب حاضر که دریارة تاریخ بسیار اخیر ایران نوشته شده نه تنها می‌تواند به درک اوضاع کنونی و آینده ایران کمک کند بلکه حاوی تحلیل بسیاری از مشکلات و مسائل امروزی ایران بویژه در حوزه اقتصادی است که در حال حاضر وجود دارد و در دوران شاه نیز وجود داشته است.

چنانکه خوانندگان خود متوجه خواهند شد، تهیه و نوشتن این کتاب را عمدتاً مديون بسیاری از ایرالیانی هستم که در عرض پانزده سال گذشته با آنها صحبت و بحث و کار و همکاری کرده‌ام. هنوز نتوانسته‌ام از یکی‌یک آنها تشکر کنم ولی فقط می‌توانم بگویم که نهنگ مانند آنان سو تا آنجا که یک خارجی می‌تواند احساس کند— خود را در شادی و شعف مردم ایران نسبت به تحولات اخیر که محمد رضا پهلوی منفور را از سهند قدرت بزیر کشیده است، شریک می‌دانم؛ در جریان پانزده سال اخیر در موارد مختلف و مدت‌ها با مبارزان جنبش مخالف ایران در اروپا، امریکا و همچنین ایران در تماس بوده‌ام و در متن مبارزات آنان، آرزوها و امیدهای آنان و شکستها و غم‌های آنان زندگی کرده‌ام؛ اعتراضات سال ۱۹۶۵ در رابطه با تیراندازی کاخ مرمر، مخالفت با جریان تاجگذاری سال ۱۹۶۷ و جشن‌های دوهزارو پانصد میلیون سالگرد شاهنشاهی و حوادث متعدد دیگر را شاهد بوده‌ام.

بعش عملهای از کار من به جنبش‌های انقلابی در شب‌جزیره عربستان ارتباط داشته است و کتاب قبلی‌ام— عربستان بدون سلطان— را عمدتاً به جنبش‌های انقلابی یمن و عمان اختصاص دادم و در این رابطه نیز خود را مديون ایرانیان مخالف فعل در خارج می‌دانم که بهمن کمکهای ذیقیمت کردند و من از نوشته‌ها و آثار ارزشمند نهایت استفاده کردم؛ این مبارزان ایرانی ساکن اروپا و امریکا از سال ۱۹۷۳ به بعد با جنبش انقلابی عمان که با نیروهای نظامی

بریتانیا و ایران در ایالت ظفار پیکار می‌کرد، همدردی و همبستگی بسیار نشان داده‌اند. بخش عده‌النتشارات و فعالیت‌های مختلف در همبستگی و همدردی با انقلابیون عمان را مبارزان ایرانی به‌عهده داشته‌اند که به‌دخالت ضدانقلابی دولت خودشان در عمان اعتراض می‌کردند و از مبارزات مردم عمان حمایت می‌نمودند. ارزش و اهمیت این فعالیت‌های بین‌المللی را مردمان شبه‌جزیره عرب‌هرگز فراموش نخواهند کرد. انقلابیون عرب می‌دانند که نیروهای مخالف رژیم ایران در تبعید، نه تنها چنین حمایتی از آنان بعمل آورده‌اند بلکه بعضی انقلابیون مؤمن ایرانی خود به‌ظفار می‌رفتند و دوش به‌دوش رفاقتی عمانی خود علیه نیروهای نظامی متحده امپریالیسم انگلستان و ارتقای ایران و عرب، تا پای جان پیکار می‌کردند.

بدین ترتیب، پیروزی انقلاب ایران برای انقلابیون سراسر جهان و بویژه مبارزان منطقه خاورمیانه، حادثه‌ای بس شفعت‌انگیز است. معهداً فراموش نباید کرد که مردم ایران برای رسیدن به‌این پیروزی چه قربانی‌هایی دادند و چه رنجها و مصیبت‌های وحشتناکی را از سرگذشتند. این انقلاب را هزاران مبارز ایرانی که در جریان ربع قرن اخیر در زندانهای شاه کشته شدند یا در پیکارهای خیابانی جان فدا کردند، میسر ساختند. در عین حال، شادی و شعف ما از پیروزی انقلاب ایران و آگاهی ما از مشکلات عظیمی که در برابر انقلاب قرارگرفته — مشکلات اقتصادی و اجتماعی هولناک میراث رژیم پهلوی، نیروهای خارجی متعدد که آرزوی توقف انقلاب را در سر می‌پورانند و مایلند آنرا از مسیر آهنین خود خارج سازند و مشکلات سیاسی بزرگ که رویارویی انقلاب قرارگرفته‌اند— دوکفه ترازوی واحدی هستند.

البته در این رهگذر، تاریخچه انقلابات دیگر نگرانی آور است. اگرچه این انقلابات، رژیم‌های استبدادی مختلف را سرنگون کردند و پیشرفت‌های شگرف اقتصادی و اجتماعی را باعث شدند ولی بندرت توانستند به سیستم‌های ارزشمند دموکراتی پس از انقلاب برستند؛ این مشکل را می‌توان در همه انقلابات بزرگ بروژواری چون انقلاب کبیر فرانسه، یا در انقلابات بزرگ سوسیالیستی مانند روسیه و چین مشاهده کرد. در اکثر موارد، سیستم‌های جدید دیکتاتوری سیاسی آرمانهای دموکراتیک خلق‌ها را غصب کردند و لزوم مبارزات بی‌گیر تازه‌ای را برای سرنگونی این سیستم‌ها باعث شدند. مسلماً چنین خطیری در ایران هم وجود دارد زیرا در انقلاب ایران نیز یک ائتلاف اجتماعی بزرگ متشكل از طبقات اجتماعية ذاتاً متخاصل، قادر به شکست رژیم پهلوی بوده است. منافع مادی گوناگون و مواضع سیاسی مختلف که در این ائتلاف بزرگ شرکت داشته‌اند،

کنون بنحوی روزافزون در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و این خطر واقعی وجود دارد که رامحله‌های غیر دموکراتیک از طریق بخشش‌هایی از جنبش ضدشاه بر مردم تحمیل شود. مانسور از نوع جدید و تجدید ساختمان دولت سابق، تمودارهای این مسیر شوم و خطرناک است.

تنها خامن جلوگیری از چنان تحولات، انتخابات آزاد و علنی و بحث‌های اجتماعی آزاد است که در آن هیچ‌گونه کنترل استبدادی وجود نداشته باشد و «مشروعيت و قانونیت انقلابی» جدیدی برای توجیه انواع کنترل تراشیده نشود. مردم ایران اکنون به یک پیروزی بزرگ مدت‌ها به تعویق افتاده، نائل شده‌اند؛ مردم ایران اکنون این فرصت‌گرانیها را دارند که این پیروزی را به ظفرمندی انقلابی پایداری تبدیل کنند که در آن همه اشکال ستم و استبداد موجود در جامعه سچه در خطوط طبقاتی و چه درمورد ملیت‌ها و زن و مرد و غیره—بنحوی پیشرونیست و نابود‌گردد.

لندن، ۱۴ مادس ۱۹۷۹

مقدمه نویسنده

هدف من از نوشتن این کتاب بطور کلی شناساندن ایران معاصر و بالاخص بررسی جریان رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی این کشور از اوائل دهه ۱۹۶۰ به بعد است.

در فصل نخست جامعه ایرانی قرن بیستم را ملخصاً معرفی کرده‌ام ولی در فصول سه‌گانه بعدی با تفصیل بیشتر، جنبه‌های مشخص دولت‌پریشه‌های تاریخی، ویژگیهای عمدۀ کنونی و وسائل اختناق و فشار—را که برای آن جنبه حیاتی دارد، مورد بررسی قرار داده‌ام. فصول دوگانه بعدی بهبحث درباره سیاست‌های اقتصادی دولتها اختصاص دارد که در نخستین آنها رشد و توسعه در بخش روزنایی و در فصل بعدی اقدامات مربوط به صنعتی کردن کشور مورد بحث قرار خواهد گرفت. در سه فصل آخر کتاب مسائل سیاسی: لیروهای مخالف، سیاست خارجی شاه و آینده رژیم کنونی با توجه به بحران سال ۱۹۷۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

با وجود آنکه این کتاب در مقابل حکومت کنونی ایران و متuhan بین‌المللی آن موضع خصمانه دارد و با احساس همبستگی نسبت به مخالفان رژیم ایران نوشته شده، ولی تجزیه و تحلیل کتاب از آن نظری مستقل و، لزوماً، بدون واپسگی است. این کتاب نماینده نظرات هیچ بخش معینی از لیروهای مخالف نیست و محتمل است که هریک از ایرانیان مخالف رژیم شاه با بخشی از مندرجات آن موافق نباشند.

از میان کسانی که در کار نوشتن این کتاب بهمن کمک کرده‌اند بویژه به دونفر سخت مدیویم: یکی «ماکسین مولینو» که در تمام مراحل نوشتن کتاب مرا راهنمائی و تشویق کرد و با خواندن دقیق مطالب، نوشته‌های اصلی مرا بهبود بخشید و دیگری «اقبال احمد» که نخستین بار نوشتن چنین کتابی را به من پیشنهاد کرد و از طریق «پروژه جهان سوم» استنتیوی ترانس نشنال حمایت اخلاقی و کمک مالی نمود. همچنین باید از «پری آند رسون» «آنتونی بارلت» و جان هلیدی پیشنهادهای بسیار سودمندی کردن، سپاسگزاری کنم. «نیکی کدی» نیز لطف کرده به درخواست ناشر نسخه کتاب را مرور کرد و بالاخره باید از تمام دوستان